

تبیین رویکرد معنوی در طراحی برنامه درسی

مریم شفیعی سروستانی^۱ | فرزانه دیمه‌کار حقیقی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ویژگی‌های عناصر برنامه درسی معنوی انجام شده است. لذا در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، ابتدا مفهوم معنویت بررسی شده و پس از آن، ابعاد و رویکردهای مرتبط با آن شناسایی و تبیین گردید. در گام بعدی پژوهش بر اساس مفهوم معنویت، ویژگی‌های عناصر برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، فرآیند یاددهی - یادگیری، نقش معلم و یادگیرنده و ارزشیابی بیان گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه درسی معنوی، برنامه‌ای است که هم با علایق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی مثل اصول و احکام و آداب دینی را در برمی‌گیرد و می‌تواند از طریق رویکرد تلفیقی رشد معنوی، افراد را از طریق همه دروس مانند برنامه درسی هنر، ریاضیات و علوم امکان‌پذیر سازد.

کلیدواژه‌ها: معنویت، رویکردها، برنامه درسی، طراحی برنامه درسی

۱. استادیار بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ایمیل: farzanedeimehkarhaghi@gmail.com

مقدمه

قرن پر از تحولات بیست و یکم، تغییرات بسیاری را برای بشر فراهم آورده است. اسباب و تکنولوژی‌های تغییر یافته به دست زمان نیز باعث شده که نوع و سبک زندگی افراد در تمامی ابعاد، دچار دگرگونی‌های فراوان مثبت و اغلب منفی گردد. بشر امروز گرفتار بی‌توجهی در ابعاد مختلف وجودی‌اش شده و به‌نوعی تنها به‌عنوان انسان تک‌بعدی و مادی به او نگریسته می‌شود. انسان امروز و درگیر در تکنولوژی، روز به روز در انواع بحران‌ها بیرونی و درونی فرو می‌رود؛ بحران‌هایی مانند بی‌هویتی، بحران ارزش‌ها، بحران در کلیت خویش، بحران در معرفت دینی و در نهایت بحران در آیین اخلاق و آداب. (موسوی، ۱۳۸۸) پیشرفت‌های لحظه‌ای بشر، نه تنها نتوانسته گرهی از این مشکلات باز کند، بلکه بیش از پیش بر پیچیدگی آن می‌افزاید و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و چالش تعارض‌های ارزشی و فرهنگی، در جامعه و حاکمیت تفکر علمی و سیطره رویکردهای اثبات‌گرایانه و ذهنیت کمیت‌گرا، مجال چندانی برای توجه به ابعاد و ظرفیت‌های معنوی به‌عنوان یکی از وجوه بارز انسان، باقی نگذاشته است. (امینی و ماشاءاللهی، ۱۳۹۲)

به عقیده یونگ روان‌نژندی در عصر ما به دلیل عدم ارتباط با معنویت است؛ بدین معنا که اگر انسان خواهان ارتقای سلامت روان خود است، باید اعتقاد به مسائل معنوی و باورهای دینی در وجود او ریشه بدواند. (عبدالله‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸) در واقع به عقیده بسیاری، سلامت جسم و روح افراد تنها در مادیات خلاصه نمی‌گردد، بلکه افراد بشر به جامعه‌ای شاد و پویا و بانشاط نیز نیاز دارد. از آنجا که جوامع کنونی در حال تجربه نوعی از رنسانس معنوی هستند، معنویت با ترکیب و شکلی نو در حال بازگشت به زندگی اجتماعی و فرهنگی افراد است. این معنویت برگرفته از ذات مطلوب آدمی، می‌تواند گمشده بشر امروز را به او برساند و آرامش را برای او فراهم آورد. در تعریف معنویت گفته شده که معنویت جنبه‌ای از انسانیت است که به روش‌های شخصی جستجو و بیان معنا و هدف زندگی و چگونگی ارتباط آن با خود، دیگران، طبیعت یا مقدسات اشاره داشته (لنون، دیرید و همکاران، ۲۰۱۲)



و بسیار گسترده‌تر از مذهب است. (ریستلی، ۱۹۹۷؛ به نقل از قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۵)

نظام آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد رسمی تعلیم و تربیت در پیوند مستقیم با عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند زمینه ورود معنویت به زندگی افراد را فراهم آورد و توجه به معنویت در نظام تعلیم و تربیت، می‌تواند زمینه رشد و استكمال معنوی و باطنی آدمیان را در سایه تعلیم عقاید هستی‌شناختی صحیح، ارزش‌شناختی صحیح و بر طبق ارزش‌های پسندیده اخلاقی و حقوقی رقم زند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)

در نظام آموزش و پرورش برای رسیدن به اهداف نهایی نقشه راه‌هایی ترسیم می‌گردد که به این نقشه «برنامه درسی» گفته می‌شود و برنامه‌های درسی به‌عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت، می‌تواند نظام آموزشی را به اهداف آرمانی خود برسانند. برنامه درسی به‌عنوان ابزار تحقق اهداف و رسالات نظام تعلیم و تربیت به دو بخش کلی طراحی و مهندسی تقسیم می‌شود. (مهر محمدی، ۱۳۸۱) در بخش طراحی که شکل و ساختار مدون برنامه درسی است، (کلاین، ۱۹۹۲) علاوه بر توجه به مبانی روان‌شناختی و اجتماعی، یکی از مقولاتی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوع نگاه به «ماهیت انسان، ماهیت ارزش و ماهیت معرفت» است که با توجه به نوع توصیف، هر سه تحت عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت» یا «مبانی فلسفی» شناخته می‌شود. مبانی فلسفی برنامه درسی در نظام‌های مختلف تربیتی از جهت‌گیری‌های دینی و اعتقادی آن تأثیر می‌پذیرد و ادیان الهی مختلف بر اساس آموزه‌های وحیانی تفسیر خاصی از هر آن دارند و چون این نوع تفاسیر به‌طور مستقیم در نظام تعلیم و تربیت اثر می‌گذارد، (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳) در بین صاحب‌نظران مختلف، در رابطه با اینکه کدام معنویت می‌تواند انسان را به هدفش برساند، اختلاف نظر وجود دارد. در نظام تربیتی که در توصیف انسان از تفکر اسلامی استفاده می‌شود، «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» مبنای تصمیم‌گیری اقدامات تربیتی از جمله برنامه درسی است. «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» یکی از علوم فلسفی است که به تحلیل و تبیین مبادی تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد (بهشتی، ۱۳۸۵) و از مقولاتی مهمی

مانند انسان، معرفت و ارزش صحبت می‌کند. این مفاهیم در حوزه برنامه درسی باعث ظهور و بروز دیدگاه‌های مختلف شده که یکی از این دیدگاه‌ها در دهه‌های اخیر، در تدوین برنامه‌های درسی مورد توجه قرار گرفته و آن، دیدگاه فطری-معنوی است.

دیدگاه فطری-معنوی در حوزه برنامه درسی که بر مبنای این فلسفه تدوین شده، در پی شناخت ابعاد درونی و بیرونی وجود انسان بوده و سعی در برقراری تعادل بین آن دو دارد و به وحدت و تعادل روانی انسان که از ایمان الهی و شوق دینی برمی‌خیزد، کمک می‌رساند. (موسوی، ۱۳۸۸) دیدگاه فطری-معنوی، هویت خود را از متن قرآن و روایات اتخاذ می‌کند و با هماهنگی بین شخصیت آدمی و فطرت او، (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱) حس عمیقی از وحدت و پیوند با جهان در فرد ایجاد می‌کند. (سلیمان پور، ۲۰۱۴) فطری بودن این دیدگاه، به گرایش‌های عالی فطری انسان اشاره دارد و معنوی بودن، بیانگر سوق دادن یادگیرنده به سوی ارزش‌های متعالی انسان در پرتو فطرت است. (باقری، ۱۳۸۰) برنامه درسی معنوی، نیز نوعی از برنامه درسی است که فرد را به بالاترین سطوح آگاهی و معنی‌دار کردن زندگی می‌رساند. (قاسم پور دهقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱) این برنامه فراتر از شیوه تحلیلی و اندیشه ورزی نیم‌کره چپ مغز بوده و به مسائل عاطفی و اندیشه ورزانه نیم‌کره راست مغز توجه دارد. (نجفی و کاشانی، ۱۳۹۳) آموزش معنویت می‌تواند موجب اراده، ایمان و خودکنترلی در دانش‌آموزان را تقویت و شرایط لازم برای پرورش اخلاقی، معنوی و عقلانی دانش‌آموزان را فراهم سازد. (دنیلوک، کونداکو، تیشوکو، ۲۰۱۰)

انجام پژوهش‌های مختلف ضرورت وجود معنویت در برنامه درسی را تأیید می‌کند و با توجه به ناتوانی برنامه‌های درسی کنونی، در توجه به نیازهای معنوی و ارزش‌های وجودی انسان و ظهور بحران‌های فکری و ذهنی در زندگی جدید، لزوم توجه به برنامه درسی فطری-معنوی دوچندان شده است؛ زیرا این برنامه کمک خواهد کرد نابسامانی‌های فکری و روانی نسل حاضر که در نتیجه غفلت از معنویت و فطرت روی داده است، آرام گیرد و معنویت‌های کاذب و نوظهور ناقص، مجالی برای



ارائه نداشته باشند. این پژوهش قصد دارد، با رویکردی مروری و با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و با نگاه به دیدگاه فطری- معنوی، ضمن بررسی عمیق معنا و مفهوم معنویت، ابعاد آن و رویکردهای معنویت در تعلیم و تربیت، به معرفی برنامه درسی معنوی پردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به هدف مطالعه، از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شد. لذا ابتدا برای ایضاح مفهوم معنویت، ابعاد و رویکردهای آن، کلیه مطالعات انجام شده در این حوزه شامل تحقیقات و کتب، تحلیل و مفهوم معنویت تبیین شد. سپس با استفاده از روش استنتاجی، مفهوم معنویت به عنوان مبنایی برای طراحی برنامه درسی انتخاب شد و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی مشخص گردید. قلمرو این مطالعه کلیه پژوهش‌های انجام شده در حوزه مفهوم معنویت و رویکردهای آن و همچنین مطالعات مرتبط با برنامه درسی معنوی بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات به صورت‌های باز و جهت‌مند و با ابزارهای مطالعه اسنادی، صورت گرفته است. به این صورت که مفاهیم و دیدگاه‌های متعدد از نمونه مورد مطالعه بررسی شد و با شناسایی زمینه‌ها و منابع اطلاعات مرتبط، جستجو، کشف و استخراج اطلاعات و سپس کدگذاری و دسته‌بندی اولیه، اطلاعات گردآوری شد.

یافته‌های پژوهش

ایضاح مفهوم معنویت

معنویت واژه‌ای است که به‌طور گسترده در ادبیات نوشتاری بسیاری از نویسندگان داخلی و خارجی مطرح و در بسیاری از دایره‌المعارف‌ها، واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها برای آن تعاریف مختلفی عنوان شده است. به دلیل این‌که به‌طور واضح حدود و ثغور این واژه مشخص نشده و تمایز آن با واژه‌هایی چون عرفان و دین واضح نیست، (شریفی، ۱۳۸۸) تعریف آن مشکل به نظر می‌رسد. به اعتقاد بسیاری برای فهم



معنویت، لازم است این واژه در بسترهای مختلف فلسفی، مذهبی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بررسی شود.

تعریف لغوی

معنویت در لغت از واژه معنوی ساخته شده است. معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. در لغت‌نامه دهخدا معنوی در معنای حقیقی، راستی، اصلی، ذاتی، باطنی و روحانی آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳) مترادف با واژه (معنویت) در زبان انگلیسی، واژه spirituality به کار می‌رود. این واژه خود از اسم spiritus به معنای نفس و دم گرفته شده است. (قاسم پور دهقانی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۱)

در فرهنگ آکسفورد در تعریف معنویت به موارد زیر اشاره شده است: الف. تعاریفی که روح را در مقابل ماده قرار می‌دهد که در اصل تقابل روح و جسم را نشان می‌دهد. ب. تعاریفی که جنبه مذهبی و دینی دارند و معنویت را پررنگ‌تر می‌دانند. ج. تعاریفی که معنویت را همان روح پالوده یا بی‌آلایش می‌دانند. (به نقل از یار محمدیان و همکاران، ۱۳۹۱)

تعاریف اصطلاحی

در دیدگاه کلاسیک، معنویت گرایش به مذهب و موضوعات مرتبط با روح دارد؛ اما پژوهش‌های نوین در دوران معاصر، حوزه‌های گسترده‌تری که تمامی جنبه‌های زندگی آدمی را در بر می‌گیرد مطرح می‌کنند. (ساندرز، ۲۰۰۷) در همین راستا مطهری (۱۳۹۳) معنویت را نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیرمادی مانند علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش که وجه تمایز انسان و موجودات دیگر است، تعریف نموده است. یعقوبی (۱۳۸۹) با استناد به تعریف سازمان بهداشت جهانی به نقش معنویت در رشد و تکامل انسان تأکید می‌کند. محمدنژاد و همکاران (۱۳۸۸) با استناد به دیدگاه ویگلس فورث، معنویت را نیاز ذاتی انسان برای ارتباط با چیزی فراتر از ما می‌داند که می‌تواند در دو قالب چیزی مقدس و بدون زمان و مکان و در خدمت انسان‌های هم‌تا بودن مطرح شود.



از دیدگاه غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶) معنویت ناظر به وجود و حضور پدیده‌ها و مقوله‌هایی همچون ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دائمی او، اعتقاد به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در مسیر زندگی است. صمدی (۱۳۸۵) با استناد به دیدگاه‌های روانشناسی معنویت را بیانگر تلاش همیشگی بشر برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌داند. شهیدی (۱۳۷۹) معنویت را ناظر بر استفاده بهینه از قوه خلاقیت و کنجکاوای برای یافتن دلایل موجود و مرتبط با زنده ماندن و زندگی کردن می‌داند که برای رشد واقعی فرد لازم و ضروری است. موسوی خمینی (۱۳۷۳) معنویت را مجموعه صفات و اعمالی می‌داند که جاذبه قوی و درعین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد.

تعاریف کلاسیک از معنویت تمرکز بر مذهب و موضوعات مرتبط با روح دارد؛ اما مطالعات معاصر پیرامون معنویت همه جنبه‌های زندگی و تجربه انسان را در بر می‌گیرد. (ساندرز، ۲۰۰۷) در واقع نمی‌توان معنویت را به شعائر دینی و مذهبی محدود کرد، بلکه ابعاد فردی، اجتماعی، شناختی، اخلاقی، عاطفی را نیز در بر می‌گیرد. بررسی مفهوم معنویت از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که معنویت، جوهر و اساس انسانیت و زمینه عالی آدمیت و مستعد رشد و توسعه است. (میهن، ۲۰۰۲)

به نظر سسرو و پرات (۲۰۱۱)، معنویت، ارتباط عمیقی با فضایل انسانی نظیر بخشندگی، مهربانی و شفقت دارد و به لحاظ سلامت روانی باعث فروکشی اضطراب و کاهش احساس تنهایی و نیز سبب افزایش عزت نفس، توانایی ارتباط و شایستگی روانی می‌گردد. نلسون (۲۰۰۹) معتقد است که از لحاظ فکری معنویت ما را فراتر از تجربه روزانه معمولی برده است و یک تأثیر دگرگون‌کنندگی بر روی زندگی و روابطمان دارد. این تنها درباره بودن و تجربه نیست، بلکه درباره انجام دادن هم صدق می‌کند. در شیوه نوین آن شامل جستجو برای ارزش‌های برتر، آزادی درون و چیزهایی که به زندگی معنا می‌دهد، است. از نظر پلاتنه (۲۰۰۸) رابطه فرد با خدا، واگذاری

کار به او، اعتماد به قدرت و هدایت همه‌جانبه او است.

معنویت از واژه روح می‌آید و شامل تمام مواردی می‌شود که هر کس برای تعریف وجود شخصی خود دارد و دربرگیرنده تمام چیزهایی می‌شود که ظرفیتی برای انسان بودن و رسیدن به تعالی نیاز دارد؛ مانند روابط انسانی، عشق، سازندگی، هم‌نوع‌دوستی، فداکاری، ایمان و اعتقادات. (وانسر و همکاران، ۲۰۰۵) به عقیده زوهار و مارشال (۲۰۰۰) معنویت منحصر به انسان بوده و با نیاز انسانی برای معنا مربوط است. معنویت آن چیزی است که انسان استفاده می‌کند تا آرزو و ظرفیتش را برای معنا، خیال و ارزش توسعه دهد و به انسان اجازه می‌دهد تا رؤیا داشته باشد و برای آن تلاش کند.

از دیدگاه جیمز (۱۹۷۷) در کتاب تنوع تجربه‌های معنوی معنویت موجب معناداری زندگی انسان و استفاده از رفتارهای عقلانی و منطقی جهت حل مشکلات می‌شود. به‌علاوه معنویت باعث شکل‌گیری روابط اخلاقی و انسانی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران می‌شود. (فرامرزی و همکاران، ۱۳۸۸) واگان (۲۰۰۲) با استناد به دیدگاه و تعریف پل تیلیج، معنویت را به‌عنوان قلمرو علائق و دغدغه‌های غایی می‌داند و بیان می‌کند که هر فردی می‌تواند یک فرد معنوی باشد؛ زیرا همه افراد نوعاً دارای دغدغه‌های غایی هستند. از دیدگاه ال‌کینز و همکاران (۱۹۸۸) معنویت به‌مثابه روشی برای بودن و تجربه کردن است که با کسب معرفت و آگاهی از یک بعد غیرمادی شکل گرفته است و ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص آن متمایز می‌شود. تیسسی (۲۰۰۳) معنویت را حس والایی می‌داند که شور و اشتیاق و گرایش انسان را نسبت به عدالت و انصاف افزایش می‌دهد و پیوند و اتصال انسان را با خود و جهان آفرینش پدید می‌آورد.

در جمع‌بندی تعاریف معنویت می‌توان عنوان کرد که این واژه در معانی مختلفی همچون:

۱. قرار گرفتن معنویت در برابر امور مادی که در تألیف اندیشمندان اسلامی دیده می‌شود.



۲. معنویت مترادف دین، ارزش‌های دینی و اخلاقی به کار می‌رود که کاربرد وسیعی در ادبیات دینی دانشمندان مسلمان دارد.

۳. معنویت به اشخاص و افعال آن‌ها و به مکان و اشیا نسبت داده می‌شود.

۴. در میان دانشمندان غربی معنویت اصطلاحی است که دو معنای فلسفی و دینی دارد.

۵. معنویت در مسیحیت گاه به معنای ساکن شدن روح القدس در فرد به کار می‌رود.

ابعاد معنویت

دی سوزا و همکارانش ابعاد زیر را برای معنویت معرفی کرده‌اند: الف. درون‌نگری: یک‌حالتی از آگاهی که فرد را به نظر در درون خودش وامی‌دارد. ب. رابطه: به این معنا که هدف اصلی معنویت، بررسی و واکاوی درون هستی و باورهای خودش نیست، بلکه به این برمی‌گردد که چگونه فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. ج. تعادل بین آزادی انتخاب و فرهنگ: به این معنا که فرد قادر است انتخاب کند و پاسخ‌های خود را به پرسش‌های اساسی درباره معنای وجود و هستی بیابد. د. دید کل‌نگر و جامع یعنی معنویت شامل یک تعهد با تمام وجود در تمام ابعاد ذهنی، عاطفی و عمل و نیت. (دی سوزا، ۲۰۰۴)

آمونز و کرامپلر (۱۹۹۷) برای معنویت سه بعد قائل هستند: تعالی و فراتر رفتن، هشیاری بالا و ارزش‌های ماندگار. تعالی و فراتر رفتن مربوط به ظرفیت شخص برای درگیر شدن در شکل‌های سطح هوشیاری بالا می‌شود و فراسوی جهان فیزیکی می‌رود. (به نقل از یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۹۱)

هیم بروک (۲۰۰۴) ضمن بیان این‌که تربیت معنوی با تربیت دینی و اخلاقی یکی نیست، بیان می‌کند که تربیت دینی و تربیت اخلاقی از ضرورت‌های تکامل تربیت معنوی هستند و به‌عنوان ابعاد مهم تربیت معنوی لحاظ شوند.

امینی و ماشاء‌اللهی (۱۳۹۲) پذیرش آگاهانه و توأم با معرفت مبدأ غایی (هوشیاری عمیق و شهودی)، بخشندگی (زندگی همراه با سپاس و قدرشناسی)، معناداری (زندگی معنادار بر اساس ارزش‌ها)، تعالی و عروج (ورای خود رفتن و پیوستگی با



کل یکپارچه)، ایمان (زندگی توأم با اعتقاد و باور و عشق به هستی)، تسلیم (پذیرش مشیت و تقدیر الهی) و هدایت درونی (تلفیق و ترکیب آزادی درونی با عمل مسئولانه) را به‌عنوان ابعاد و عناصر معنویت بیان می‌کنند.

فرید من و مک دونالد (۲۰۰۲) پس از مرور معنای مختلف ابعاد معنویت را شامل تمرکز بر معنای نهایی، آگاهی از سطح هوشیاری چندگانه و رشد آن‌ها، اعتقاد به گران‌بها و مقدس بودن زندگی و ارتقا خود به یک کل بزرگ‌تر می‌داند. (آمرام، ۲۰۰۵)

الکینز معنویت را دارای یک ساختار چندبعدی می‌داند که شامل نه بخش عمده می‌شود. بعد روحانی یا فرامادی، معنای هدف در زندگی، داشتن رسالت در زندگی، تقدس زندگی، اهمیت ندادن به ارزش‌های مادی، نوع‌دوستی، آرمان‌گرایی، آگاهی از تراژدی و اثرات معنویت به‌عنوان ابعاد معرفی می‌شوند. (کشمیری و عرب احمدی، ۱۳۸۷)

آمرام (۲۰۰۵)، نوبل و وگان (۲۰۰۴) درستی و صراحت، تمامیت، تواضع و مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران را به‌عنوان مؤلفه‌های هشت‌گانه معنویت بیان نموده‌اند.

ویلبر (۲۰۰۰) ابعاد زیر را برای معنویت ذکر می‌کند: الف. معنویت اصولاً مستلزم بالاترین سطح رشد و تکامل فرد در ابعاد مختلف رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و بین فردی است؛ ب. معنویت دارای خط سیر رشد و تحول خاص خود است؛ ج. معنویت در هر درجه از رشد، به‌مثابه نوعی نگرش است؛ د. معنویت ملازم با اوج تجربه انسانی است.

رویکردهای معنویت

دیدگاه‌های گوناگون را می‌توان به‌عنوان رویکرد در تربیت معنوی شناسایی کرد:

رایت (۲۰۰۰) رویکرد محدود و رویکرد فراگیر را معرفی می‌کند. در رویکرد فراگیر اولویت به تجربه معنوی است آن‌هم تجربه‌ای که ماهیت جهانی دارد و اساس و مبنای جستجوی معنا و هدف در زندگی ما است. این تجربه هدایت‌کننده



احساسات، عواطف و ظرفيتمان، براى خلاقيت است. در اين روىكرء فرض بر اين است كه همه انسانها ظرفيت خودآگاهى پويا براى آگاهى از واقعيتهاى زندگى و تعالى خود را دارند. در اين رشد، به همه جنبههاى رشد و تعالى انسان در تربيت معنوى توجه مى شود. در روىكرء محدود نگرشى محدود و راديكال نسبت به تربيت معنوى دارد كه همه ارزشهاى ملى و سنتى را پوشش مى دهد.

اوسر (٢٠٠١) روىكردهاى تربيت معنوى را در سه طبقه زير بررسى مى كند: الف. روىكردهاى مبتنى بر عادت آموزى كه تربيت معنوى وسيله اى براى عادت آموزى و شكل دهى رفتار معنوى است. ديدگاه رفتارى از مهم ترين اين روىكردها به شمار مى آورد. ب. روىكردهاى مبتنى بر عقلانيت كه تربيت معنوى را با محك عقل مى سنجد. ديدگاه شناختى در برنامه درسى از مهم ترين آنهاست. ج. روىكردهاى مبتنى بر شهود كه تربيت معنوى را حاصل سير و سلوك وجودى و درونى مى داند. ديدگاه ماورى فردى در برنامه درسى در اين دسته قرار مى گيرد.

باغگلى (٢٠١٠) دو روىكرء ايمان گرایی و معنويت گرایی را عنوان مى كند. در روىكرء ايمان گرایی فهم دين از دايره عقلانيت خارج شده و گزارههاى دينى خودبنیاد تلقى مى شوند. در روىكرء معنويت گرایی، معنويت به عنوان يکى از ابعاد وجودى انسان تلقى شده و براى ارضای آن ضرورت باور به عالم ماورا منتفى و پرداختن به امور معنوى، به عنوان يک نیاز درونى انسان در نظر گرفته مى شود.

برنامه درسى معنوى

برنامه درسى معنوى محتوى رسمى و غيررسمى، شيوههاى تدریس و فرصتهاى يادگیری است كه در آن دنياى معنويت و روحانى وارد دنياى مدرسه و كلاس درس مى شود و دانش آموزان از نظر زندگى درونى غنى شده و روح آنها آرامش گرفته و مسير آموزش و پرورش را به سوى روح افراد به جاى ذهن آنها تغيير مى دهد (ميلر، ٢٠٠٠) فراگیران از طريق برنامه درسى معنوى امكان مى يابند زواياى نهان و پنهان وجود خویش و جهان هستى كه ماهيت و هویتى معنوى و فرامادى دارد را شناخته و بر مبنای آن، قابليتها و استعدادهاى معنوى و متعالى خود را به شكل جهت دار و



هدفمند به فعلیت برسانند. (میلر، ۲۰۰۵) برنامه درسی معنوی بر ضمیر ناخودآگاه انسان، بر اصول عشق به مذهب، عشق به زندگی و طبیعت، تاریخ و زندگی مذهبی و تجربه دینی تأکید دارد. (شعبانی، ۱۳۸۵)

انواع برنامه درسی معنوی به نقل از میرزاخانی (۱۳۹۱) به برنامه درسی القایی- معنوی (در این نوع برنامه اهداف به یادگیرندگان تلقین می‌شود و در آموزش از روش‌هایی بهره می‌بریم که ماهیت القایی داشته باشد)، برنامه درسی فراشناختی- معنوی (این برنامه به رشد فراآگاهی افراد در جهت یکی شدن با مردم، شناخت استعدادهای فرد، دوستی با طبیعت، احساس همدردی، تبادل احساسات، دستیابی به احساسات بالاتر و متعالی‌تر و در نهایت معنی دار کردن زندگی می‌پردازد)، برنامه درسی مغزی- معنوی (این نوع برنامه درسی دربرگیرنده توجه به دو نیم‌کره مغز است. نیم‌کره راست و نیم‌کره چپ) و برنامه درسی فطری- معنوی (این برنامه مبتنی بر فطرت و بر اجزای فطرت سوار است) تقسیم می‌شود.

عناصر برنامه درسی معنوی

در بین صاحب‌نظران درباره عناصر برنامه درسی، اتفاق نظری وجود ندارد و تعداد عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی، بر اساس دیدگاه‌های مختلف، متفاوت بیان شده است. اهداف، محتوا، فعالیت‌های یاددهی- یادگیری دانش‌آموزان و روش‌های ارزشیابی چهار عنصر مورد توافق بیشتر صاحب‌نظران است. هرچند برخی عوامل و عناصر دیگری را از قبیل فضا، زمان، ابزار یادگیری، گروه‌بندی دانش‌آموزان و راهبردهای تدریس را هم به این مجموعه اضافه کرده‌اند.

اهداف برنامه درسی معنوی

در برنامه درسی معنوی، هدف‌های آموزشی فراتر از دانش‌اندوزی، مهارت‌آموزی و نگرش‌یابی در نظر گرفته می‌شود. هدف اصلی برنامه‌ریزی درسی معنوی، ایجاد وضعیتی است که از طریق آن فراگیران به سطوح عالی آگاهی و معنی‌دار کردن زندگی خویش دست یابند و بتوانند نفس و روح خود را تعالی بخشند. (نوریان، باغدار نیا،



(۱۳۹۴) در برنامه درسی معنوی، فراگیر به سمت شناخت خود، خلقت و خالق هدایت می‌شود و وجود اصیل را به‌عنوان مبدأ و دارای تأثیر در عالم هستی می‌شناسد. این برنامه جهت‌یابی اصیل عاطفی را برای فراگیر در نظر دارد تا اصول عشق به مذهب، عشق به زندگی و طبیعت، تاریخ و زندگی مذهبی و تجربه دینی را بیاموزد. (سسر و وپرات، ۲۰۱۱) شکوفایی حس کمال و قدرت روح و میل به جاودانگی از دیگر اهداف برنامه درسی معنوی بوده تا فراگیر به دنبال حقیقت جویی واقعی باشد. در برنامه درسی معنوی روحیه پارسایی و عبادت خداوند در فراگیر تشویق می‌شود. (پوردهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱) به‌طور خلاصه باید گفت که غایت اصلی تربیت معنوی، رسیدن به نشانگرهای معنوی همچون حس زیبایی‌گرایی، تمایل به نیکی، آسایش گروهی و آرامش گروهی، خلاقیت و لذت بعدازآن، شناخت صحیحی از خود، روحیه عشق و ایثار، تعهد و مسئولیت‌پذیری، عقل‌ورزی و خردگرایی، اعتقاد به جهان غیب و عالم باطن و معاد، آشنایی با خصوصیات روانی و باطنی خود و آراستگی ظاهر (میرزاخانی، ۱۳۹۱) است.

برنامه‌درسی زمانی می‌تواند در جهت تحقق این نیازها گام بردارد و ادعای برآورده کردن این نیازها را داشته باشد که بر اساس جهان‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناختی توحیدی بنا شده باشد. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵)

محتوای برنامه درسی معنوی

در فرایند برنامه‌ریزی درسی معنوی، هدف رسیدن به معنویت است. محتوایی که برای تحقق اهداف برنامه درسی معنوی مطرح می‌گردد، باید متناسب با هدف و شرایط ذهنی، عاطفی و عقلی مخاطبان باشد. همچنین هماهنگی با مبانی دینی در محتوای برنامه درسی معنوی نیز باید در نظر گرفته شود.

این محتوا ضمن تأکید بر مبانی نظری که ترکیبی از اصول عقاید، عرفان نظری، تفسیر متون دینی، احکام عبادی، اخلاق، تاریخ و ادبیات است، به آمادگی برای تحصیل دانش مفهومی و فعالیت‌های سلبی و ایجابی تهذیب نفس نیز اصرار دارد. هدف از اجرای چنین محتوایی، تعالی روح انسانی فراگیر است. لذا بنابر نظر



استاد مطهری (۱۳۸۱) کلام خدا و حدیث بهترین منبع برای تدوین محتوا در فرایند برنامه‌ریزی درسی معنوی است.

بنابراین محتوای طراحی شده باید در شکوفاسازی و رشد حس عشق و پرستش مؤثر باشد؛ یادگیرنده را قدم به قدم به کمال انسانی نزدیک نموده و به او قدرت روحی و روانی ببخشد و بر مؤلفه‌های خودشناسی به خصوص شناخت روح تأکید کند. محتوای برنامه درسی معنوی فراگیر را به دیدن زیبایی‌های خداوندی دعوت کند و حس تعهد و مسئولیت در قبال خداوند، دیگر انسان‌ها، طبیعت و دیگر پدیده‌ها را در مخاطب ایجاد و در آن‌ها عشق به خداوند و نوع انسان به‌عنوان برترین مخلوق خداوند را تلقین نماید. همچنین باید فرصت‌های مناسب و کافی برای اندیشیدن در هرکدام از این‌ها را نیز برای مخاطب ایجاد نماید. این محتوا ضمن تأکید بر لذت یافتن حقیقت و الگوهای درست حقیقت‌یابی، طریقه درست هدایت شدن و هدایت کردن را در مخاطب پرورش می‌دهد. همچنین محتوا باید مسائل روز و آنچه در اطراف دانش‌آموزان در جریان است، درک و فهم معنا (هاید، ۲۰۰۸)، تفکر، تأمل، احساس و خلاقیت مرتبط با امور ارزشمند زندگی، تقویت بینش دانش‌آموزان، نگرش‌های میان‌رشته، تأکید و توجه به عناصر اصلی فرهنگ و تنوع‌های فرهنگی را مورد تأکید قرار دهد. (بیگر، ۲۰۰۸)

هر یک از موضوعات درسی می‌تواند در تحقق چنین محتوایی مثر ثمر باشد و در فراگیران برانگیختگی، کنجکاوی، اشتیاق، واکنش، شادی و اعجاب تفکر را منجر شود. هنر (نیوبای، ۱۹۹۸ و پتن، ۱۹۹۲) در توسعه ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت، تصویرسازی، همدلی، کاوش معنا و حقیقت مؤثر است. تربیت دینی (اسلی، ۱۹۹۲)، باعث تحریک و رشد بصیرت معنوی، واکنش‌های فردی، شکل‌گیری ارزش‌ها و باورها می‌شود. ریاضیات مخاطب را در پی بردن به شگفتی‌ها و اسرار و زیبایی‌هایی آفرینش تشویق می‌کند. موسیقی می‌تواند، روح را برانگیزد یا آرام سازد. نقاشی می‌تواند چشم‌نواز باشد و شعر می‌تواند، عواطف را تحریک کند. فلسفه می‌تواند، ذهن را قانع و راضی سازد. مهندسی می‌تواند، زندگی مادی آدمی را بهبود



بخشد. علوم، به دلیل ارتباط با معنویت می‌تواند، پرسش‌های گوناگونی درباره جهان، اعجاب در برابر ذرات هستی و آفریننده آن مطرح و به آن پاسخ می‌دهد و آگاهی معنوی فراگیر را به همراه می‌آورد.

فرآیند یاددهی - یادگیری برنامه درسی معنوی

فرآیند یاددهی - یادگیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی معنوی مطرح می‌شود؛ زیرا برنامه درسی معنوی، برنامه‌ای است که با روح و احساسات سروکار دارد. هرچند این فرآیند باید در خدمت اهداف تربیت معنوی قرار بگیرد؛ اما در برنامه‌های معنوی اهداف را نمی‌توان با همه استراتژی‌های لازم، محقق ساخت. در این نوع از برنامه‌ها، هر روشی قابل قبول نبوده و باید بسیار گزینشی عمل کرد. روش‌ها باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که روح و نیمکره راست مغز را درگیر کرده، باعث رشد احساسات و بیداری و تکان فطریات و عواطف گردند. (میرزاخانی، ۱۳۹۱)

در این فرآیند باید به کرامت انسانی توجه شده و نیروی اراده و اختیار یادگیرنده نیز در نظر گرفته شود. آموزش و پرورش با یکدیگر تلفیق شده و ضمن توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان و یادگیرنده محوری، عدالت آموزشی نیز رعایت گردد. یکی از بهترین روش‌هایی که می‌توان آن را در فرآیند یاددهی - یادگیری اجرا کرد، استفاده از رویکرد تلفیقی است. از این طریق، پیوند فطری زندگی و معنویت مورد توجه قرار می‌گیرد. معلمان و دانش‌آموزان با توجه به این‌که بهتر از هر کس دیگری از زمینه‌های آموزشی خود اطلاع دارند شخصاً به طراحی برنامه درسی بپردازند. در برنامه درسی تلفیقی معنوی، مواردی مانند زمینه آموزشی به‌جای محتوای آموزشی، مفاهیم درسی به‌جای واقعیت‌های درسی، پرسش‌های دانش‌آموز به‌جای پاسخ‌های او، تفکر دانش‌آموز به‌جای دانش او، درک شهودی به‌جای استدلال منطقی، توسعه به‌جای انباشت محتوای درس، فرآیند یادگیری به‌جای فرآورده‌های یادگیری، کیفیت اطلاعات به‌جای کمیت اطلاعات (کلارک، ۱۹۹۷)، به نقل از قاسم پور دهقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱) مورد تأکید است.

در برنامه درسی معنوی به‌صورت عام می‌توان از روش‌های مختلفی برای عملی



شدن این برنامه استفاده کرد. بدیعه پردازی، تلقین شناسی، هنرهای نمایشی/ بدیعه‌سرایی، نگارش خلاق/ سرودن شعر، موسیقی، آموزش زمینی (محیطی)، مراقبه، تجسم کردن یا تصورات هدایت شده، کار با رؤیایها نگارش مطالب روزانه یا شرح حال‌نویسی، حل مسئله و تفحص و بحث گروهی از این دست روش‌ها است. (موسوی، ۱۳۸۸)

معلم در برنامه درسی معنوی

معلم، یکی از حلقه‌های زنجیره نظام آموزشی و مؤثرترین عنصر آن است. معلم نیاز دارد ویژگی‌های دانش‌آموزان خود را بشناسد و کاملاً متناسب با آن‌ها عمل کند. دانش‌آموزان استعدادها و نیازهای متفاوتی دارند و برنامه درسی معنوی، فرصت پرورش استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵) اگر در این برنامه فرض شود که دانش‌آموزان، دارای روح هستند که باید تعالی یابد، این روند باید از روح معلم آغاز شود؛ زیرا پرورش روح معلم، باعث تقویت و تکمیل تدریس می‌شود. این چنین معلمی که فردی کامل از حیث انسانیت و معنویت است، می‌تواند دو ارمغان اساسی را برای کلاس فراهم آورد یکی حضور و دیگری توجه است. (میرزاخانی، ۱۳۹۱) معلم موضوع درسی را با نیاز و علاقه دانش‌آموز مرتبط می‌سازد و دانش‌آموزان در ارائه واکنش، از آزادی برخوردار هستند. در این برنامه رفتار دلسوزانه و صبورانه معلم و همدردی، مراقبت و روحیه سرشار از عشق و ایثار او، باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس ایمنی کرده و توانایی‌های بیشتری را از خود نشان دهند. (موسوی، ۱۳۸۸) در برنامه درسی معنوی معلم فردی حقیقت‌جو، خلاق و وظیفه‌شناس است و می‌تواند با ساختار شکنی، کلاس فعالی را برای دانش‌آموزان ایجاد نماید.

یادگیرنده در برنامه درسی معنوی

در نظریات مختلف نگاه‌های متفاوتی نسبت به دانش‌آموز وجود دارد و اگر به صورت طیف به دانش‌آموز در فرآیند نگریسته شود، دانش‌آموز منفعل در یکسر طیف



و دانش آموز فعال در سوی دیگر آن قرار می‌گیرد. با توجه به این که برنامه درسی معنوی، هدفی جز شکوفاسازی فطرت و پرورش روح یادگیرندگان ندارد، قطعاً نگاهی که به فراگیر دارد باید بیشتر از این که متوجه نیازهای مختلف عاطفی، جسمی، شناختی او باشد، با روح و فطرت و تمامی ابعاد وجودی او متناسب شود. در برنامه درسی معنوی یادگیرندگان استعداد و توانایی‌های منحصر به فردی دارند که نباید در مقایسه با دیگران قرار بگیرند. جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی در یادگیری در این برنامه مردود شمرده می‌شوند و یادگیرندگان با هر جنسیتی قابلیت خاص خود را دارند. در این الگو، یادگیرنده فردی فعال است که با مشاهده و تفکر به لایه‌های عالم پی می‌برد (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰) و خود مسئول یادگیری خود است و دیگران، نقش فراهم‌کننده زمینه تربیت را دارند.

ارزشیابی برنامه درسی معنوی

ارزشیابی به‌عنوان مؤلفه اصلی از چرخه تدریس و یادگیری است. در برنامه‌های درسی معنوی، ارزشیابی مبتنی بر معیار بودن، تکوینی، باز پاسخ و کل‌گرا و غیررسمی است. (میرزاخانسی، ۱۳۹۱) در این برنامه اگر ارزشیابی به‌صورت بازخوردی و نیز به‌صورت اشتراکی تحقق پذیرد، توانمندی‌های فراگیران و بعد معنوی آن رشد و توسعه خواهد یافت. برای ارزشیابی در برنامه درسی معنوی، می‌توان از تلفیق رویکردهای خودسنجی (محاسبه نفس)، الگوهای ارزشیابی معلم محور و فرایند محور، به‌منظور اقدامات اصلاحی برای بهبود فرایند تربیت استفاده کرد. (نوریان، باغدار نیا، ۱۳۹۴) این رویکردها را می‌توان به روش‌هایی مانند مشاهده و یادداشت‌برداری، بحث گروهی و ارزیابی میزان مشارکت فرد، ارزیابی میزان فعالیت‌های خارج از کلاس، استفاده از سؤال‌های کتبی، تحلیلی و تبیینی، استفاده از پرسش‌های شفاهی، اجرای نمایش، انجام دادن کارهای اختیاری مانند ارائه مقالات تحقیقی و ابتکارهای علمی و ادبی و هنری، مشارکت دانش‌آموز در ارزشیابی از خود یا دیگران، کارهای عملی دانش‌آموزان، اندازه‌گیری مبتنی بر عملکرد، انجام آزمایش به‌صورت فردی و گروهی تقسیم‌بندی نمود. در ارزشیابی نیاز است که مقوله‌هایی مانند استناد صریح به وجود

خداوند، ابراز ایمان به قدرتی متعالی، آرامش و صفا، صداقت با دانشجویان، اشتیاق به تدریس، خوش‌قلبی و دلسوزی، بی‌ریا و صادق بودن و همدلی و شفقت را به‌عنوان شاخص در نظر گرفت. (جان و پرات، ۲۰۱۱)

نتیجه‌گیری

نظام‌های تربیتی برای تربیت انسان‌ها جهت‌گیری‌های خاصی را در نظر می‌گیرند. زمانی که در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با برنامه درسی، عینکی با لنز فلسفه آموزش و پرورش اسلامی در دست ما قرار بگیرد و انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی تفکر اسلامی مدنظر باشد، عناصر برنامه درسی نیز تغییر پیدا می‌کند. در واقع به اعتقاد ملکی (۱۳۸۷) زمانی که ریشه تغییر می‌کند، روبناها نیز تغییر می‌یابد.

یک برنامه درسی باید بر درک جامع و عمیق قابلیت‌ها و ابعاد وجود انسانی مبتنی باشد. از این منظر توجه به برنامه درسی معنوی برای فراگیران می‌تواند به‌عنوان یک زمینه مهم در نظر گرفته شود. (امینی و ماشاء‌الهی نژاد، ۱۳۹۲) در دیدگاه فطری-معنوی برنامه درسی یادگیرنده به‌عنوان مخاطب اصلی فردی است که استعدادها و گوناگون فطری دارد. باید تمام این استعدادها در وجودش شکوفا شود. رویکرد معنوی برنامه درسی با تأکید بر درک شهودی، فراگیران را با معنویت حقیقی مانوس کرده و با معنی‌دار کردن زندگی، دستیابی به سطوح بالاتر و توسعه همه‌جانبه آگاهی را فراهم می‌آورد. (معروفی و کرمی، ۱۳۹۲)

این برنامه بر روی فطرت‌خدایی و الهی فراگیر تمرکز کرده و تمامی تعارضات وجود فراگیر را از بین برده و می‌تواند پاسخگوی واقعی نیازهای فراگیران باشد (اسلاتری، ۱۹۹۲) و به آنان کمک کند تا علاوه بر منطق و دلیل به احساسی عمیق و پربار دست پیدا کنند. در این برنامه معنویت و روحانیت وارد دنیای مدرسه و کلاس درس می‌شود و محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس و فرصت‌های یادگیری به فراگیران، امکان شناخت زوایای پنهان و آشکار وجود خویش و جهان اطراف را می‌دهد. در برنامه درسی معنوی کلاس درس به محیطی پر از انرژی برای معلمان و دانش‌آموزان



تبدیل شده و هر دو طرف با عشق و علاقه به یادگیری و تدریس می‌پردازند، به‌ویژه برای دانش‌آموزان آرامش درونی و بیرونی را فراهم می‌کند (دارشان، ۲۰۰۹) و آنان را از نظر زندگی درونی غنا بخشیده و مسیر آموزش و پرورش آنان از سمت ذهن به سمت روح تغییر می‌دهد. به اعتقاد میلر (۲۰۰۰) آموزش و پرورش با روح و احساس می‌تواند بین عوامل درونی و بیرونی، عقلانی و ذاتی و کمی و کیفی موازنه برقرار نماید.

در این برنامه محتوا بر القای معنویت تأکید دارد و سعی می‌کند فراگیر به سطوح بالاتر آگاهی دست‌یافته و زندگی برای وی معنادار شود. در این برنامه شرایطی فراهم می‌گردد تا فراگیر علاوه بر دنیای خود از دنیای پیرامونی دیگران نیز مطلع شود و با آن‌ها یکی گردد. (قادری، ۱۳۸۴) این برنامه معلمان و دانش‌آموزانی را مخاطب خود قرار می‌دهد که از خودانعطاف، خلاقیت، تازگی، تعهد و تأمل را نشان دهند و سعی می‌نمایند شخصیت دانش‌آموزان و معلمان به‌واسطه بارآوری‌های ذهنی هدفمند مورداحترام قرار می‌گیرد؛ و آن‌ها را به‌سوی بصیرت‌های عمیق‌تر هدایت می‌کنند. (آینون و ابنوف، ۱۹۹۱)

برای تدوین این برنامه توجه به فطرت و ویژگی‌های، انسان‌شناسی قرآنی و اسلامی اقدام اصلی و اساسی تلقی شده و باعث رشد هم‌زمان و همه‌جانبه شخصیت دانش‌آموز می‌گردد. بنابراین برنامه درسی معنوی، شامل عناصر اهداف، محتوا، روش تدریس، محیط، معلم، یادگیرنده و ارزشیابی است که بتواند حالات و نگرش‌ها و یا به تعبیری نشانگرهای معنویت مورد تأیید قرآن را در انسان ایجاد کند. برنامه درسی معنوی برنامه‌ای است که هم با علایق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی مثل اصول و احکام و آداب دینی را در بر می‌گیرد و می‌تواند از طریق رویکردی تلفیقی رشد معنوی افراد را از طریق همه دروس مانند برنامه درسی هنر، ریاضیات و علوم امکان‌پذیر سازد. (قاسم پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰) در نهایت باید عنوان کرد که اگر در طراحی برنامه درسی تنها به منبعی خاص توجه شود، رشد تک‌بعدی در دانش‌آموزان رقم خواهد خورد. الگوهای تک‌بعدی

در توجه به واقعیت‌های برنامه درسی غفلت نموده‌اند. لذا توصیه می‌شود برای رفع معایب این الگوها در طراحی از هر سه منبع اطلاعاتی استفاده شود. الگوی طراحی برنامه درسی معنوی است می‌تواند این مهم را برآورده سازد.

فهرست منابع

۱. امینی، محمد؛ ماشاء‌الهی، زهرا، (۱۳۹۲)، *تاملی بر جایگاه و چگونگی توجه به پرورش معنویت در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی*، فصلنامه علمی- پژوهشی تربیت اسلامی، ۸(۷): ۱۶-۲۹.
۲. باقری، خسرو، (۱۳۸۰)، *گزارش تحقیق پژوهشی برای دست یابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی*، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
۳. بهشتی، سعید، (۱۳۹۱)، *ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. خمینی، روح الله، (۱۳۷۳)، *شرح چهل حدیث*، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۵. دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی، (۱۳۸۸)، *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: تهران.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: نشر سیروس.
۷. شاملی، عباس علی؛ ملکی، حسن؛ کاظمی، حمید رضا، (۱۳۹۰)، *برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی*، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۳ (۶): ۷۷-۹۸.
۸. شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۸)، *عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب*، قم: صهبا یقین.
۹. شعبانی، زهرا (۱۳۸۵)، *بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی در ایران و چند کشور جهان*، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۱(۸۳): ۱۱۹-۱۶۶.
۱۰. شهیدی، شهریار، (۱۳۷۹)، *روان‌درمانی و معنویت*، سخنرانی ماهانه انجمن روانشناسی ایران، تهران: فرهنگسرای اندیشه.
۱۱. صمدی، پروین، (۱۳۸۵)، *هوش معنوی*، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲(۳ و ۴): ۹۹-۱۱۴.





۱۲. عبدالله زاده، حسن و دیگران، (۱۳۸۸)، *هوش معنوی: مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن*، تهران: روانسنجی.
۱۳. غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا، (۱۳۸۶)، *هوش معنوی، فصلنامه علمی و پژوهشی اندیشه‌های نوین دینی*، ۳(۱۰): ۱۲۵-۱۴۷.
۱۴. فرامرزی، سالار؛ همایی، رضا؛ سلطان‌حسینی، محمد، (۱۳۸۸)، *بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان*، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، ۳(۵): ۷-۲۳.
۱۵. قاسم پور دهاقانی، علی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا، (۱۳۹۱)، *رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۹(۳): ۷۱-۹۲.
۱۶. قاسم پور، عرفانه؛ ملکی پور، احمد؛ زارع صفت، صادق، (۱۳۹۵)، *تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی با نگاهی به دیدگاه نادینگز*، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه ریزی درسی، ۱(۳): ۲۷-۵۱.
۱۷. کشمیری، مهدیه؛ عرب احمدی، فاطمه، (۱۳۸۷)، *هنجاریابی آزمون هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه منابع طبیعی شهر گرگان*، پایان نامه رشته روان شناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.
۱۸. محمدنژاد، حبیب؛ بحیرانی، صدیقه؛ حیدری، فائزه، (۱۳۸۸)، *مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های آموزه‌های اسلام*، فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۲): ۹۶-۱۱۶.
۱۹. محمدی، یحیی؛ کینخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه، (۱۳۹۵)، *طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی و معنوی*، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۲): ۱۰۹-۱۳۵.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، انتشارات مدرسه.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، *آزادی معنوی*، تهران: انتشارات صدرا.



۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی*، تهران: صدرا.
۲۳. معروفی، یحیی؛ کرمی، زهرا، (۱۳۹۲)، *برنامه درسی معنوی، چیستی و چرایی*، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.
۲۴. ملکی، حسن، (۱۳۸۷)، *دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی «مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»*، کنگره ملی علوم انسانی.
۲۵. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۱)، *تلفیق در برنامه درسی، تاریخچه، ضرورت، معیارها و اشکال*، در کتاب *برنامه درسی؛ نظرها، رویکردهای و چشم‌اندازها*، مشهد: آستان آستان قدس رضوی.
۲۶. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۹۳) *برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها*، تهران: به نشر.
۲۷. موسوی، ستاره؛ جعفری، سید ابراهیم؛ نیک‌نشان، شقایق؛ توکل‌نیا، مریم، (۱۳۹۳)، *تحلیل و بررسی نمود ارزش‌های انسانی و اخلاقی در حوزه برنامه درسی، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
۲۸. موسوی، فرانک، (۱۳۸۸)، *برنامه درسی معنوی در هزاره سوم*، کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۹. میرزاخان، مهدی، (۱۳۹۱)، *ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۰. نجفی، محمد؛ کشانی، فاطمه، (۱۳۸۸)، *برنامه درسی معنوی برای دستیابی به تربیت دینی*، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. نوریان، محمد؛ باغدارنیا، مجتبی، (۱۳۹۴)، *آموزش و پرورش و هویت معنوی برنامه درسی در هزاره سوم*، اولین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران.
۳۲. یارمحمدیان، محمدحسین؛ فروغی ابری، احمدعلی؛ میرشاه جعفری، ابراهیم؛ اوجی نژاد، احمدرضا، (۱۳۹۱)، *بررسی تطبیقی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه‌های*

- برنامه درسی در چند کشور جهان، فصلنامه عامی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۱): ۸۳-۱۰۲.
۳۳. یعقوبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۴(۹): ۸۵-۹۵.
۳۴. یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۰)، روانشناسی و دین، (ترجمه: فواد روحانی)، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
35. Amram J. (2005)• Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership. Institute of Transpersonal Psychology.
36. Baghgoi.H and et al. (2010)• Criticism on the religious education methods. Mashhad: Publications of AStan ghods razavi.
37. Bigger, S. (2008)•secular spiritual education.journal of educational futures.1-60-69
38. Cecero, J. J., Prout, T. A. (2011)• Measuring faculty spirituality and its relationship to teaching style. Journal of Religion & Education, 38, 128-140.
39. Clark, E. (1997)• Designing and Implementing an Integrated Curriculum. Brandon, VT: Holistic Education Press.
40. Daniliuk, A. I., Kondakov, A. M, & Tishkov, V, A. (2010)• The spiritual and moral education of Russia's school students. Journal of Russian Education and Society, 52: 3-18.
41. De Souza, M. Durka, G, Engebretson, K. Jackson, R. (2004)• International Handbook of the Religious,Moral and Spiritual Dimensions.<http://books.google.com/books?id=spiritual+dimensions&source>
42. Elkins DN, Hedstrom L J, Hughes L L, Leaf J A, Saunders C. (1998)• Toward a humanistic-phenomenological spirituality, Journal of Humanistic Psychology 28: 5-18





43. Elkins, D. N. (1998)◊ Beyond religion: A Personal Program for Building a Spiritual Life outside the Walls of Traditional Religion. Wheaton, IL: Quest Books.
44. Elkins, D. N. (2000)◊ Towards a Humanistic Spirituality Chapter. 16. pp 201-212, in: Kirk, J. Schneider, James F. T., Bugental J., Fraser Pierson (Editors), The Handbook of Humanistic psychology, Edges in Theory Research and Practice.London: publications.
45. Emmons, R.A., & Crumpler, C.A. (1999)◊ Religion and spirituality? The roles of sanctification and the concept of God. International Journal for the Psychology of Religion, 9, 17-24.
46. Ghaderi, Mostafa (2004), Ideal curriculum in avirtual environment, new interpretation of curriculum, the curriculum in the age of information technology, Tehran, Aeizh, association of curriculum studies in Iran. Pp. 154-165.
47. Heim Brock, H. (2004)◊ Beyond Secularization: Experiences of the Sacred in education Journal of moral education.5.162-171.
48. Hyde. (2008)◊the identification of four rustics characters of children's spirituality in Australian primary Schools. journal of children spirituality.2-111-127 Inada
49. John J. Cecero & Tracy A. Prout (2011)◊ Measuring Faculty Spirituality and Its Relationship to Teaching Style. Religion & Education, 38:2, 128-140
50. Lennon-Dearing. R, Florence. A. J, Halvorson. H, Pollard. T. J, (2012), An Inter professional Educational Approach to Teaching Spiritual Assessment, Journal of Health Care Chaplaincy, Vol. 18, pp. 121-132.
51. MacDonald, D. A., Friedman, H. L., & Kuentzel, J. G. (1999)◊ A survey of measures of spiritual and transpersonal constructs: Part one—Research Update. The Journal of Transpersonal Psychology, 31(2), 137-154.
52. Meehan, Christopher (2002): Promoting Spiritual Development in the Cur-

- riculum. *Pastoral Care in Education: An International Journal of Personal, Social and Emotional Development*, 20:1, 16-24.
53. Miller, j.p... [etal] (2005), *Holistic learning and spirituality in Education: breaking new ground*, state university of New York press, Albany.
54. Miller, John. p (2000) *Education and the soul: Toward a spiritual curriculum* state university of New York
55. Nelson, James M (2009), *Psychology, Religion, and spirituality*. Springer Science business Media, LLC2009.
56. Oser, F. (2001), *Can a Curriculum of Moral Education be Postmodern?* *Journal of Educational philosophy and Theory*. 31- 2-18
57. Plante, T. G. (2008), *What do the spiritual and religious traditions offer the practicing psychologist?* *Pastoral Psychology*, 56, 429-444.
58. Priestley. J (1997) *Spirituality, Curriculum and Education*, *International Journal of Children's Spirituality*, Vol. 2, No.1, pp. 23-34.
59. Saunders, SM. (2007), *introduction to the special issue on spirituality and psychotherapy*. *Journal of clin psychol*.63-90-97
60. Slattery, P. (1992), *Toward an Eschatological Curriculum Theory*. *Journal of Curriculum Theorizing*, 9, 7-21.
61. Slattery, P. (1995), *Curriculum Development in the Postmodern Era*. New York: Garland Publishing.
62. Sulaiman, M. (2014), *Identify the components of spirituality in business context the Islamic*. *Journal of Business and Management Sciences*, 1 (2), 166-188.
63. Tacey, D. J. (2003), *the Spirituality Revolution: the Emergence of Contemporary Spirituality*. Sydney, Australia: Harper Collins Publisher
64. Vaughan, F. (2002), *What Is Spiritual Intelligence?* *Journal of Humanistic Psychology*. 42 (2), 16-33.





65. Vaughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *Journal of humanistic psychology*. 42(2).
66. Wanser, et al, (2005). Effect of spiritual care training for palliative care professionals. Published by: SAGE. Pp99- 104.
67. Wilber, K. (2000). *The Eye of Spirit*. Boston and London: Shambhala Publications, Inc.
68. Wright, Andrew (2000). *Spirituality and Education*, London: Routledge-falmer
69. Zohar, D. & MARSHALL, I. (2000). SQ: Spiritual Intelligence approaches. *journal of children spirituality*. 5-101-127.